

عنوان مقاله:

بررسی انتقادی تفکر ساختارشکنانه ژاک دریدا در حوزه فلسفه دین با تکیه بر آرای علامه طباطبایی

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 16، شماره 4 (سال: 1398)

تعداد صفحات اصل مقاله: 19

نویسندگان:

مهدی عسکریزاده - دانشجوی دکتری گروه فلسفه، دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران

رسول رسولی پور - استادیار گروه فلسفه، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

نوشتار حاضر با هدف بررسی انتقادی تفکر ساختارشکنانه دریدا در حوزه فلسفه دین، با تکیه بر آرای علامه طباطبایی شکل گرفت. دین شناسی دریدایی با رویکردی ساختارشکنانه به فلسفه دین، در واکاوی مسائل این فلسفه، همچون وجود خدا، هرگز در پی رسیدن به حقیقت نیست. زیرا دریدا به وجود حقیقتی که با روش برهانی، بر انسان مکشوف می شود، اعتقادی ندارند. به اعتقاد او با تاکید بر سریت می توان حیات امر دینی را تضمین کرد. هرچند علامه نیز بر محدودیتی که عقل آدمی در حوزه فلسفه الهی با آن مواجه است، اذعان دارد؛ اما حاضر نیست از تفکر منسجم و نظام مند توأم با بهره گیری از براهین عقلی برای کشف حقیقت امر دینی دست بکشد. پلورالیسم معرفتی، عدم ثبات معنا و تشکیک در بدهاوت وجود، از جمله ایرادهایی هستند که بر دریدا وارد است. علامه اعتقاد دارد که حقیقت دارای ساختار یکپارچه ای است که انسان با ممارست عقلانی، قادر به کشف آن خواهد بود. ایشان هرگز دیدگاه نسبیت گرای دریدا در زمینه حقیقت را برنمی تابد، بلکه معتقد است که مسیر شناسایی در فلسفه دین، از رهگذر اطلاق و کلیت حقیقت به سرانجام می رسد.

کلمات کلیدی:

اطلاق و کلیت حقیقت، تفکر نظام مند، پلورالیسم، رویکرد ساختارشکنانه، عدم ثبات معنا

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526167>

